
مقایسه دیدگاه سید مرتضی با زمخشری در معنای «... أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا...» آیه ۱۶ سوره اسراء

سیده راضیه پورمحمدی^۱

زهره اخوان مقدم^۲

چکیده

دریافت معنای آیات قرآن منوط به داشتن علوم و مقدمات متعددی است که گاه بدون آن‌ها، در بدو امر برخی شبهات یا تناقض‌ها ایجاد می‌شود. یکی از آن‌ها آیه ۱۶ سوره اسراء است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی بر آن است معنا و تفسیر ﴿...أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا...﴾ را که با اختلاف نظر مواجهه شده، بررسی کند. با محوریت نظر تفسیری سید مرتضی رحمته الله علیه می‌توان دریافت: ۱. اراده هلاکت محقق نمی‌شود مگر به هلاکت حسن و قبیح؛ مانند این‌که بگوییم امر کردیم او را به خیر، اما او عصیان کرد (امرته فعصی)، مأمور به محذوف است، هرچند بعد از کلمه «امرنا» «فسق» واقع شده است؛ ۲. متعلق «امرنا» طاعت است، زیرا اگر «فسق» باشد، باید پاداش داده می‌شدند، نه عقاب. واژه «امرنا» را به سه حالت قرائت کرده‌اند که در هر حالت معنای خاصی دارد؛ ۳. «أَمْرًا مُتْرَفِيهَا» صفت «قریه»

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۴/۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) raz_sae@yahoo.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم dr.zo.akhavan@gmail.com

است؛ یعنی هر گاه بخواهیم قریه‌ای را که طبقه مرفه آن را امر کرده‌ایم و آن‌ها نافرمانی کرده‌اند، هلاک کنیم، بنابراین جواب «اذا» محذوف است و نیازی هم به آن نیست؛ ۴. «اراده» در معنای مجازی به کار رفته است که در زبان عرب مجاز و استعاره و آرایه‌های ادبی زیادی به کار می‌برند؛ ۵. در آیه تقدیم و تأخیر صورت گرفته و اگر شرط و جواب شرط جابه‌جا شود، تغییری در حکم ایجاد نمی‌شود.

واژگان کلیدی: سید مرتضی رحمته‌الله، محمود زمخشری، سوره اسراء، فسق، طاعت.

۱. مقدمه

قرآن کتاب جاویدی است که تعلیمات لازمه تمام بشریت را بیان نموده است و با چراغ هدایتش مایه بصیرت هر حق‌جویی شده است. تنها راه‌هایی از ضلالت و گمراهی و رسیدن به توحید و یکتاپرستی و نجات از سرگردانی و حیرت، اعتقاد به نزول عینی همین قرآن بر بهترین خلق روزگار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که هیچ مانندی ندارد و در طول زمان باعث تربیت مردمان برای دوران‌های سخت و بی‌امان شده است.

در طول تاریخ کسانی که خداوند متعال را اطاعت کرده‌اند سعادتمند شده و سرکشان خوار و ذلیل شده‌اند. کیفیت نزول کتاب بر آنان و پیرامون دعوت آنان به توحید و نفی شرک توضیح داده شده است، سپس به همین مناسبت کلام را به وضع این امت معطوف ساخته که بر این امت نیز کتاب نازل کرده؛ پس اگر اطاعت کنند، اجر می‌برند، و اگر عصیان بورزند، عقاب می‌شوند، و ملاک کار ایشان مانند آنان به همان اعمالی است که می‌کنند و به‌طور کلی با هر انسانی بر طبق عملش معامله می‌کنند. سنت الهی در امت‌های گذشته نیز چنین بوده است.

سوره مبارکه اسراء یکی از سوره‌های این کتاب عظیم است که پیرامون مسئله توحید و تنزیه خدای تعالی از هر شریکی می‌باشد و با این‌که در این مورد بحث می‌کند، مسئله تسبیح خدا را بر مسئله حمد و ثنای او غلبه کرده و بیشتر به قسم دوم پرداخته است در آیه ۱۶ همین سوره شبهاتی درباره حکمت و عدالت خداوند مطرح شده است که با منزه بودن

خداوند از زشتی‌ها منافات دارد. مفسران با اهتمام خاصی که در جمع‌آوری نکات دقیق تفسیری و تدبیر در آیات داشته‌اند به شبهات پاسخ داده‌اند.

آیه ۱۶ سوره اسراء یکی از آیاتی است که به دلیل وجود ترکیباتی در آن، میدان ظهور بحث‌های تفسیری شده است؛ بنابراین می‌توان به کتب تفسیری *امالی* (غررالفوائد و دررالقلائد) سید مرتضی رحمته‌الله، «تفسیر المیزان» علامه طباطبائی و «کشاف» زمخشری در این پژوهش اشاره کرد؛ بنابراین پژوهش حاضر بر آن است که بداند شبهات مطروحه در آیه ۱۶ سوره مبارکه اسراء چیست و مفسران چگونه بدان پاسخ داده‌اند.

۲. مروری بر سوره اسراء آیه ۱۶

خداوند متعال دستوراتش را به «ثروتمندان خوش‌گذران» ابلاغ می‌کند؛ چراکه معمولاً در جوامع ناسالم، این افراد سردمدار اجتماع و ریشه اصلی فسادگری هستند و از این رو آنان در صف اول مقابله با پیامبران قرار دارند و بقیه مردم پیرو آنان‌اند، ولی هنگامی که عذاب در رسد، همه را فرا می‌گیرد. گروهی به خاطر نافرمانی و فساد عذاب می‌شوند و گروهی به علت سکوت و نهی‌ازمنکر نکردن (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱۲، ص ۵۲). در سوره اسراء آیه ۱۶ چنین آمده است:

﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا﴾؛

هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را نابود کنیم، مرفهین و خوش‌گذران‌هایش را [به وسیله وحی به طاعت، بندگی و دوری از گناه] فرمان می‌دهیم، چون [سرپیچی کنند و] در آن شهر به فسق و فجور روی آورند، عذاب بر آنان لازم و حتم می‌شود، پس آنان را به شدت درهم می‌کوبیم [و بنیادشان را از ریشه برکنیم].

۲-۱. بررسی آیه از حیث صرفی

صافی جزء به جزء نکات آیه را مطرح کرده است و بخش‌های مهم آن که بحث‌برانگیز می‌باشد، به شرح ذیل است:

(واو) عاطفه (إذا) ظرف برای زمان مستقبل متضمن معنی شرط در محل نصب متعلق

به (أمرنا)، (أن) حرف مصدری (نهلک) مضارع منصوب، و فاعل نحن برای تعظیم، (قریة) مفعول به منصوب (مترفیها) مفعول به منصوب و علامت نصب یاء (الفاء) عاطفه (ها) ضمیر در محلّ جرّ متعلّق به (فسقوا)، (الفاء) عاطفه (علیها) مثل فیها متعلّق به (حقّ)، (ها) مفعول به (تدمیرا) مفعول مطلق منصوب.

مصدر المؤوّل (أن نهلک...) فی محلّ نصب مفعول به عامله أردنا، جمله: «أردنا...» در محلّ جرّ مضاف إلیه، جمله: «نهلک...» محلی از اعراب ندارد صله موصول حرفی (أن)، جمله: «أمرنا...» محلی از اعراب ندارد جواب شرط غیر جازم، جمله: «فسقوا...» محلی از اعراب ندارد معطوف بر جمله جواب شرط، جمله: «حقّ علیها القول» محلی از اعراب ندارد معطوف بر جمله فسقوا، جمله: «دمرناها...» محلی از اعراب ندارد معطوف علی جمله حقّ علیها القول، (مترفیها) جمع مترف، اسم مفعول از آترف رباعی، وزن آن مفعول به ضمّ میم و فتح عین، (تدمیرا) مصدر قیاسی برای فعل دمر رباعی، بروزن تفعیل (صافی، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ص ۲۴).

۲-۲. بررسی آیه از حیث نحوی

پس از بررسی صرفی آیه مذکور، تحلیل نحوی آن نیز به شرح ذیل است:

۲-۲-۱. فعل «أردنا» در آیه ۱۶ سوره اسراء: در لغت از (رَوَدَ) گرفته شده و به معنی طلب کردن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۴۴). إِزَادَ [رَوَدَ] الشیء: آن چیز را دوست داشت و به آن میل و رغبت نمود (مهیار، بی تا: ص ۳۸). تردد با مهربانی برای طلب چیزی (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰: ص ۳۷۱).

۲-۲-۲. فعل «هَلک» در آیه ۱۶ سوره اسراء: دلالت دارد بر کسر و سقوط (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۱، ص ۲۷۰)، هلاک در اصل به معنای ضایع شدن و تباه گشتن است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۱۵۹)، به مصرف رسانیدن چیزهای خوب و نیکو از سوی دارندگان آن‌ها (مهیار، بی تا: ص ۶۹).

۲-۲-۳. فعل «أمر» در آیه ۱۶ سوره اسراء: امر ضد نهی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۴۳)، امر دو معنی دارد یکی کار و چیز، جمع آن امور است و دیگری دستور و فرمان است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۰۹).

۲- ۲- ۴. کلمه «مُتْرَفِيهَا» در آیه ۱۶ سوره اسراء: کلمه «ترفه» به معنای توسعه دادن در نعمت است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰: ص ۱۶۶)، به معنی تنعم به نعمت‌های دنیوی و غفلت از نعمت‌های معنوی (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۱۶۸).

۲- ۲- ۵. فعل «فَسَقَ» در آیه ۱۶ سوره اسراء: بررسی دقیق آیتی که کلمه «فسق» در آن‌ها به کار رفته است، اثبات می‌کند که قرآن کریم نیز این کلمه را در معنای لغوی آن، یعنی خروج از مسیر حق به کار برده است. قرآن، نافرمانی خداوند را از مصادیق خروج از مسیر حق می‌شمارد و از این رو فسق را نکوهیده می‌داند و فاسق را توبیخ می‌کند و او را سزاوار کیفر می‌بیند. در کتاب *مفردات القرآن* در مورد ریشه کلمه «فسق» آمده است: «فَسَقَ فُلَانٌ: خَرَجَ عَنِ حَجَرِ الشَّرْعِ، وَذَلِكَ مِنْ قَوْلِهِمْ فَسَقَ الرَّطْبُ إِذَا خَرَجَ عَنِ قَشْرِهِ» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰: ص ۳۸۰)، فسق عبارت است از هر نوع نافرمانی خدا و معصیتی که از معاصی بزرگ باشد و فاعل آن یا کسی که داخل آن معصیت شده، به جهت لذت و شهوت و غلبه تمایلات به این عمل مبادرت کرده است. این فعل، فسق و فاعل آن فاسق است که به جهت فسق از ایمان خارج است (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ص ۲۲).

۲- ۲- ۵. «دَمَرٌ»: به معنی هلاک شدن است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۵۷)، تدمیر یعنی نابود شدن بنا (ابن عاشور، بی تا: ج ۱۴، ص ۴۵).

۲- ۳. نگاهی به اختلاف قرائات در آیه ۱۶ سوره اسراء

گفته شده که آیه را به قرائت معروف که جمله «أمرنا» را با همزه و بعد از آن میم بدون تشدید قرائت نموده‌اند قرائت کنیم و آن را از ماده «أمر» که به معنای طلبیدن است بدانیم، ولی چه بسا که آن را به معنای «اکثار» دانسته‌اند، و گفته‌اند معنایش این است که مال و اولاد مترفین را زیاد کردیم، و ایشان در آن شهر فساد راه انداختند و بعضی دیگر آن را به صورت «أمرنا» قرائت کرده و به علی علیه السلام و به عاصم و ابن‌کثیر و نافع و غیر ایشان نسبتش داده‌اند که از ماده «ایمار» و به معنای زیاد کردن مال و نسل است، بعضی دیگر آن را به صورت «أمرنا» با تشدید میم از مصدر «تامیر» به معنای تولیت و عهده‌داری امارت قرائت کرده و به امام علی و امام حسن و امام باقر علیهم السلام و به ابن عباس و زید بن علی و غیر ایشان نسبتش داده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۸۳).

۲- ۴. شأن نزول آیه

آیه مذکور تهدید است برای مشرکانی که اهل مکه بودند و مسلمانان را تعلیم می دادند که مانند خودشان راه گمراهی را برگزینند؛ ازاین رو خداوند متعال رسول اکرم ﷺ را فرستاد تا فرمان به شرع کند و مردم را به راه راست هدایت نماید، ولی به سبب سرپیچی این مشرکان از فرمان پیامبر ﷺ که در راستای فرمان الهی بود، خداوند متعال آن‌ها را هلاک و نابود کرد (ابن عاشور، بی تا: ج ۱۴، ص ۴۵).

۳. معرفی اجمالی سید مرتضی ﷺ و محمود زمخشری

در ادامه به معرفی اجمالی دو صاحب نظر در خصوص آیه ۱۶ سوره اسراء پرداخته شده است:

۳- ۱. علی بن حسین بن موسی (۳۵۵- ۴۳۶ ق) معروف به سید مرتضی، شریف مرتضی و علم الهدی، فقیه و متکلم امامی و از شخصیت‌های پرنفوذ اجتماعی شیعی بود. سید مرتضی مانند پدر و برادرش سید رضی، مدتی نقیب طالبیان بود و در بغداد زندگی می کرد و خلفای عباسی و حاکمان آل بویه به او احترام می گذاشتند. همچنین مدتی امیر الحاج و نیز عهده دار دیوان مظالم بود (تهرانی، بی تا: ج ۲، ص ۴۶).

برخی آثار سید مرتضی ﷺ عبارتند از: الذریعه، الانتصار، الناصریات، الشافی فی الامامه، انقاذ البشر، المحکم و المتشابه، تنزیه الانبیاء، الاصول الاعتقادیة، الولاية عن الجائر و الولاية من قبل الظالمین، المقنع فی الغیبه، المسائل الرسیة الاولی، المسائل الرسیة الثانیة، مسألة فی الاعتراض علی من یتبث قدم الاجسام، ابطال العمل بخبر الأحاد، مقدمة فی الاصول، مسألة فی من یتولی غسل الامام، دیوان المرتضی، شرح قصیده السید الحمیری.

۳- ۲. محمود بن عمر زمخشری خوارزمی با کنیه ابوالقاسم، لقب گرفته و شهرت یافته به جارالله زمخشری، مفسر و زبان شناس برجسته، ادیب و خطیب عربی فرارودی ایرانی بود که بر علوم گوناگون روزگار دانا بود و مؤلفی پُر اثر شمرده می شود (بعلبکی، ۱۹۹۲: ص ۲۲۲). او پیرو جنبش سیاسی- اجتماعی معتزله بود. محمود زمخشری در روزگار سلطان ابوالفتح ملکشاه سلجوقی که پشتیبان دانشوران بود زندگی می کرد. زمخشری در سال ۴۶۷ هجری قمری در منطقه زمخشر خوارزم (امروزه از توابع استان داش حوض ترکمنستان) به دنیا آمد (ظهیر، ۱۳۹۵).

برخی آثار آیت الله زمخشری عبارتند از: اساس البلاغه، اطواق الذهب (گردن بندهای زرین) در اخلاقیات، المفرد والمركب في العربية، امکنه و الجبال و المياہ در جغرافیا، انموذج في النحو، ديوان التمثيل، ديوان الشعر، رؤس المسائل في الفقه، سواتر الامثال، شافعی العی من کلام الشافعی، شرح ابیات کتاب سیبویه، شقایق النعمان في حقایق النعمان، صمیم العربیه، ضلالتہ الناشد في علم الفرائض، قسطاس في العروض، کتاب المنهاج في الاصول، متشابه اسامی الروات، محاجات بمسائل النحوی، مستقصى في امثال العرب، مقدمه الادب، نصایح الصغار (پندهایی به کودکان)، نصایح الکبار.

۴. نظر سید مرتضی علیه السلام درباره آیه مذکور

ایشان در زمان اشاعره و معتزله جوابگوی شبهات بوده است. در آیه ۱۶ سوره مبارکه اسراء گروه اشاعره شبهاتی را وارد کرده‌اند که سید مرتضی به هر کدام از سؤالات به شرح ذیل جواب داده است: شبهه اول: چرا خداوند اراده هلاکت عده‌ای را می‌کند؟ آیا این با منزه بودن خداوند از ظلم و ستم و زشتی‌ها منافات ندارد؟

شبهه دوم: با توجه به این که در آیه می‌فرماید: «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» مترفین آن سرزمین را امر می‌کنیم و آنان در آنجا فسق می‌کنند، آیا امر خداوند به فسق با منزه بودن خداوند از زشتی‌ها و اختیار و آزادی انسان‌ها از سوی دیگر منافات ندارد؟ اصلاً چرا خداوند امر به فسق می‌کند؟

شبهه سوم: اساسی‌ترین اشکال این است که چگونه خداوند قبل از ارتکاب گناه از سوی بندگان، مجازات و هلاکت عده‌ای را اراده می‌کند؟ آیا این با قبح عقاب بلا بیان منافات ندارد و آیا این قصاص قبل از جنایت نیست؟

۴-۱. پاسخ اول: اراده هلاکت از سوی خداوند

سید مرتضی چنین پاسخ می‌گوید: هلاکت دو نوع است، گاهی نیکو (حسن) و گاهی زشت (قبیح)؛ پس اگر کسی استحقاق هلاکت را داشته باشد یا این که برای امتحان دچار هلاکت شود، اشکالی ندارد و خوب است و اگر از روی ظلم و ستم باشد، هلاکت زشت است. در واقع ظهور آیه

هیچ اقتضای هلاکت به وجه قبیح را نمی‌کند. هلاکت استفاده‌شده شامل حسن و قبیح اگر ما بدانیم، با دلیل عقلی که خدا از زشتی‌ها پاک و منزه است، می‌دانیم که اراده هلاکت محقق نمی‌شود مگر به هلاکت حسن و قبیح؛ مانند این که بگوییم امر کردیم او را به خیر، اما او عصیان کرد (مرته فعصی)، مأمور به محذوف است، هرچند بعد از کلمه «امرنا» فسق واقع شده است.

ممکن است درباره این تفسیر بگویند: موضع شبهه و کلام ما نیست، بلکه همانا موضع شبهه ما آنجایی است که چه معنایی دارد و به چه دلیل اراده هلاکت آمده؟ اگر این هلاکت متعلق به هلاکتی باشد که شخص مستحق آن بوده است، صحیح است؛ اما اگر به غیر آن در آیه آمده باشد، پس معنی ندارد بگوید «اردنا امرنا»؛ لذا بی‌معنی است، چراکه آنچه خدا به ما امر می‌کند موجب درستی و پسندیده بودن او نسبت به مجازات از روی استحقاق و مجازات قبلی نمی‌شود و اگر این اراده برای مستحق این آیه ذکر شده باشد، پس همان مطلب قبلی است که از آن ابا داریم، چون خداوند اقتضا می‌کرد اراده هلاکت کسی را که اراده استحقاق ندارد. جواب این است که خداوند اراده خودش را وابسته نمی‌کند، مگر به هلاکتی که استحقاق آن را ندارد و مربوط به گناهان گذشته است.

۴- ۲. پاسخ دوم: امر به فسق از سوی خداوند

«امْرُنَا مُتْرَفِيهَا» صفت «قریه» است؛ یعنی هر گاه بخواهیم قریه‌ای را که طبقه مرفه آن را امر کرده‌ایم و آن‌ها نافرمانی کرده‌اند، هلاک کنیم؛ بنابراین جواب «اذا» محذوف است و نیازی هم به آن نیست، زیرا آشکار است؛ مانند ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا ... فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾؛ (زمر، آیه ۷۳- ۷۴) تا وقتی که آمدند و درهای آن گشوده شد... و اجر صاحبان عمل نیکوست. در این آیه، جواب «اذا» حذف شده است.

۴- ۳. پاسخ سوم: اراده هلاکت قبل از ارتکاب گناه

کلمه «اراده»، در معنای حقیقی خود به کار نرفته، بلکه منظور معنای مجازی یعنی نزدیک بودن هلاک است، نه اراده هلاک؛ مثل این جمله‌ها:

... إذا اراد المريض ان يموت خلط في ما كله ويسرع الى ما تتوق نفسه؛ یعنی هر گاه مرگ

بیمار نزدیک شود، غذاهاى مضر مى خورد و زندگى اش دشوار مى شود.
- اذا اراد لتاجر ان يفتقر اتاه الخسران؛ يعنى هر گاه دوران فقر تاجر نزيك شود، زيان مى بيند.
مشخص است كه بيمار اراده مرگ و تاجر اراده فقر نمى كند، لكن از آنجا كه معلوم است بيمار در شرف مرگ و تاجر در شرف فقر است، چنين استعمالى صحيح است.
در كلام عرب مجاز، استعاره، اشاره و كنايه فراوان است و به خاطر همين مزياست كه زبان آن ها در عالى ترين درجه فصاحت و بلاغت قرار دارد.

۴ - ۴. پاسخ چهارم: تقديم و تاخير در آيه

در اين آيه تقديم و تاخير است؛ يعنى هنگامى كه افراد متنعم قريه اى را امر به طاعت كنيم و آن ها نافرمانى كنند، اراده هلاكشان مى كنيم. ممكن است شاهد اين وجه، اين آيه باشد:

﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ﴾ (نساء، آيه ۱۰۲)

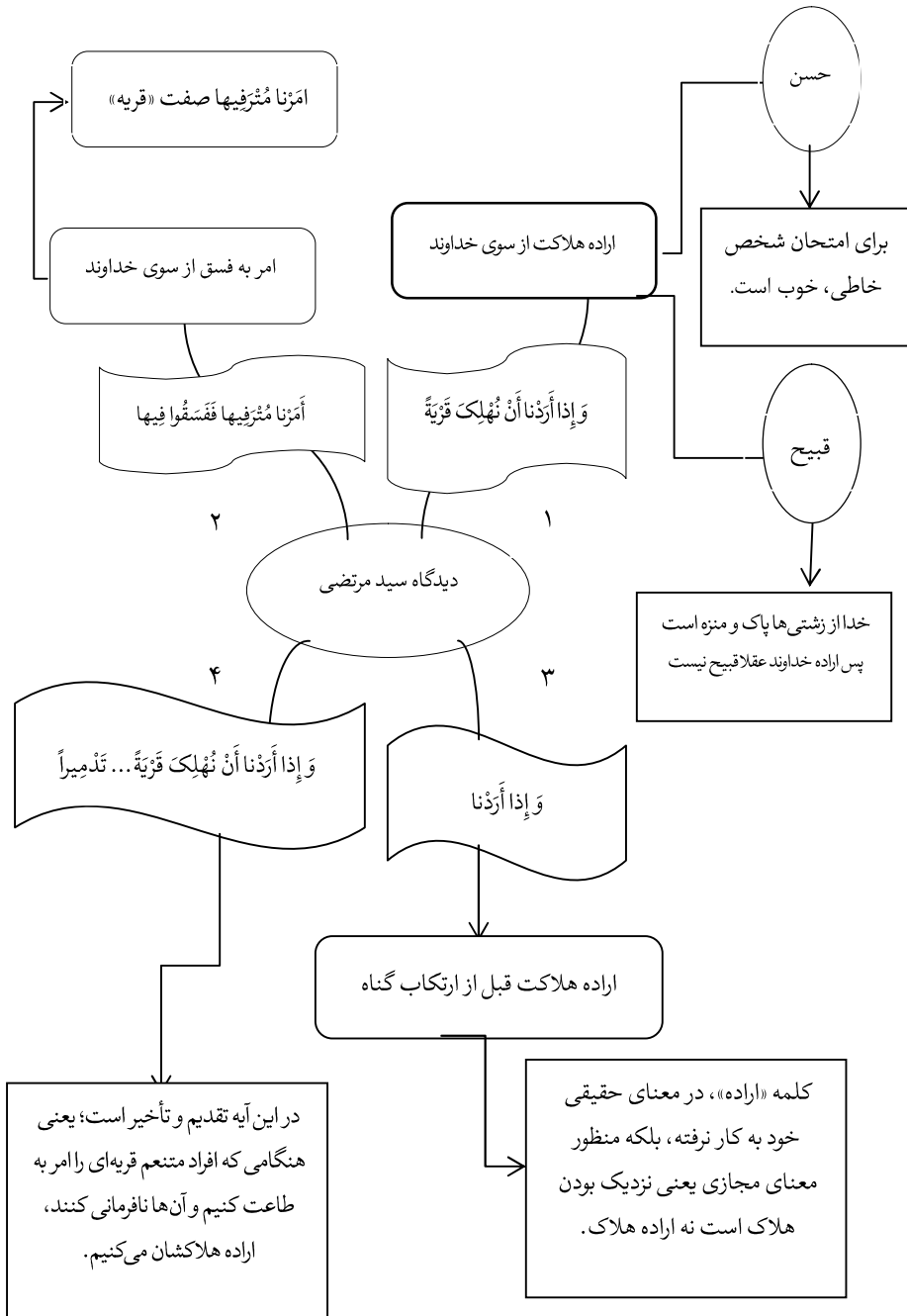
هر گاه تو در ميان ايشان باشى و نماز به پادارى، بايد گروهى از ايشان با تو به نماز بيايستند. بديهى است كه جمله «فلتقم...» قبل از جمله «فاقمت...» مى باشد، زيرا اقامه نماز، آوردن نماز به طور كامل است.

شاهد ديگر اين آيه است:

﴿إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾ (مائده، آيه ۶) هر گاه به نماز بيايستيد، صورتتان را بشوييد

بديهى است كه شستن صورت (و گرفتن وضو) پيش از ايستادن به نماز است، پس اگر شرط و جواب شرط را جابه جا كنيم، در حكم آيه تغييرى ايجاد نمى شود (موسوى علوى، ۱۳۷۳: ص ۱-۱۰).

بنابراين آنچه ذكر شد نظرات سید مرتضی در پاسخ به شبهات اشاعره است. همان طور كه مشخص است ايشان چهار وجه براى پاسخگويى به سؤالات اشاعره ذكر کرده اند و به نظر مى رسد پاسخ اول ايشان طبق فهم اشاعره جواب محكمى باشد، چرا كه آنان اراده هلاكت از سوى خداوند را حتى در وجه قبيح آن از مسائل جبر مى دانستند و فهم درستي از اراده (حسن) نداشتند. با روشن شدن اين مطلب به درستي مى توان دريافت كه از سوى خداوند متعال جز اراده (حسن) ممكن نيست، چون با صفات ثبوتى پروردگار همخوانى دارد.



۵. دیدگاه زمخشری در خصوص آیه ۱۶ سوره اسراء

یکی از آثار ایشان *تفسیر الکشاف* است. در این تفسیر به بررسی آیه ۱۶ سوره اسراء پرداخته خواهد شد. زمخشری در توجیه این امر گفته است: امر در اینجا حتماً امری است مجازی، زیرا وقتی امر حقیقی می بود که به ایشان فرموده باشد: «افسقوا - فسق بورزید» و چون چنین امری معقول و ممکن نیست، لاجرم امر مجازی خواهد بود. و اما وجه مجازیت آن این است که از آنجایی که خداوند نعمت را بر آنان بسیار کرده و وسیله پیروی شهوات را بر ایشان فراهم نموده، پس گویی که ایشان مأموریت داشته اند که نعمت های خدا را در این کار صرف کنند.

ولی حقیقتش این است که خداوند نعمت را برای این ارزانی شان داشت که شکرگزاری نموده و در راه خیر صرف کنند و متمکن از احسان و نیکی باشند، همچنان که ایشان را صحیح و سالم و نیرومند آفرید و متمکن در خیر و شرشان کرد و از ایشان خواست تا خیر را بر شر و اطاعت را بر معصیت مقدم بدارند، ولی ایشان فسق و فجور را مقدم داشتند، و چون دست و دامن بدان بیالودند، «قول» که همان کلمه «عذاب» باشد برایشان استقرار یافت و نابودشان کرد. و اگر بگوییم که چرا آیه را چنین معنا نکنیم که «ما ایشان را به اطاعت امر کردیم و ایشان فسق ورزیدند؟» در جواب می گوییم: بدین جهت نمی توانیم که چنین معنا کردن مستلزم حذف چیزی است که در آیه دلیل و قرینه ای بر آن نیست و چنین حذفی جایز نمی باشد؛ چه رسد به حذف چیزی که دلیل بر خلاف آن هست.

اگر «مأمور به» حذف شده همان فسق باشد، کلمه «فسقوا» بر آن دلالت دارد، و این گونه تعبیر بسیار است؛ مثلاً گفته می شود: امرش کردم؛ پس ایستاد یا دستورش دادم؛ خواند. در نتیجه «مأمور به» حذف شده در اولی ایستادن و در دومی همان قرائت است، و اگر چیز دیگری در تقدیر بگیریم، در حقیقت از شنونده خود علم غیب توقع کرده ایم.

البته این معنا را در مثل «او را دستور دادم نافرمانی ام کرد» و یا «او را امر کردم، امرم را امتثال نکرد» نمی گوییم، زیرا هیچ عاقلی مأمور خود را امر به نافرمانی نمی کند و چون محال است چنین معنایی مورد نظر گوینده باشد، از این جهت کلام گوینده هم دلالت بر آن

ندارد، بلکه صاحب چنین کلامی منظورش این است که من اصلاً مأمور ندارم و خطم را نمی‌خوانند، من فلانی را امر کردم، ولی او اطاعتم نکرد؛ مثل این‌که بعضی سفیهان و دیوانگان بدون این‌که مأموری داشته باشند، امر و نهی می‌کنند.

در نتیجه خداوند امر به فحشا نمی‌کند و همواره به «خیر و عدالت» امر می‌کند، چرا همین معنا قرینه بر این نباشد که مقصود از جمله «امرنا...»، این باشد.

اگر پرسیده شود چرا مترفین آن قریه‌ها امر به خیر شده‌اند، ولی آنان عصیان کرده‌اند، در پاسخ گفته می‌شود: این حرف صحیح نیست، زیرا تقدیر گرفتن کلمه «بخیر» تقدیر گرفتن چیزی است که ظاهر عبارت «فسقوا» مخالف آن است (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۶۵۴-۶۵۵).

در نتیجه، در اینجا امر به «فسق» شده است. بهترین راه این است که آن را به امر مجاز برگردانیم، بنابراین جز همان راه که گفتیم که باید کلام مورد بحث را حمل بر مجاز کرد چاره دیگری نداریم.

۶. وجه اختلافی نظرات

سید مرتضی هلاکت را دو نوع (حسن و قبیح) می‌داند و دیگر این‌که هلاکت قبیح با عدالت و منزه بودن خداوند از پلیدی‌ها ناسازگار است. همچنین بیان می‌کند که «امر» در آیه «خیر و طاعت» است، چون امر خداوند متعال به درستی و پسندیده بودن او نبست به مجازات است و از روی استحقاق و مجازات قبلی نمی‌شود، پس اراده خودش را وابسته نمی‌کند، مگر به هلاکتی که استحقاق آن را ندارد و مربوط به گناهان گذشته است.

زمخشری نیز در این باره می‌گوید: تقدیر گرفتن کلمه «بخیر»، تقدیر گرفتن چیزی است که ظاهر عبارت «فسقوا» مخالف آن است؛ در نتیجه، در اینجا امر به «فسق» شده است. بهترین راه این است که آن را به امر مجاز برگردانیم؛ بنابراین جز همان راه که گفتیم که باید کلام مورد بحث را حمل بر مجاز کرد، چاره دیگری نداریم.

علامه طباطبائی رحمته‌الله نیز بر این باور است که اگر متعلق «امرنا» «طاعت» باشد، از دو جهت بعید است: یکی این‌که خلاف ظاهر است، چون ظاهر این‌که می‌گوییم: «دستورش

دادم و او چنین و چنان کرد» این است که دستور به عین همان عملی که او کرده صادر شده است، و در آیه مورد بحث هم ظاهر این است که امر به خود فسق تعلق گرفته باشد، نه به طاعت. دوم این که تا همه اهل یک شهر فسق نوزند، بلای عمومی نازل نمی شود، و با این حال وجهی نیست که امر تنها متوجه مترفین شود (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۸۱-۸۵). در نتیجه در رد این اختلاف می توان گفت: اراده خداوند به هلاکتی تعلق می گیرد که از روی حق و عدالت بوده باشد و بر اثر گناهایی که از پیش و قبل از این آیه صادر شده است می باشد، ولی آنچه موجب درستی و صحت آیه می باشد، این است که امر به طاعت در این آیه تکرار امر قبلی است و به منزله اتمام حجت و نداشتن عذر برای بندگان صادر شده است و برای انذار می باشد؛ پس از آن عذاب نازل می شود و دیگر این که اگر خداوند امر به فسق کرده و اینان گوش کرده اند و عصیان کرده اند؛ پس مستحق پاداش هستند، نه عذاب.

نتیجه گیری

از نتایج پژوهش انجام شده می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در آیه شبهه ایجاد کرده اند که چگونه خداوند اراده به هلاکت قومی کرده است و این جبر است و سید مرتضی پاسخ می دهد: اراده هلاکت محقق نمی شود، مگر به هلاکت حسن و قبیح؛ مانند این که بگوییم امر کردیم او را به خیر، اما او عصیان کرد (امرته فعصی)، مأمور به محذوف است، هرچند بعد از کلمه «امرنا» فسق واقع شده است.
۲. فعل «امرنا» در آیه دچار اختلاف قرائت شده است و به سه صورت «أمرنا، أمرنا و أمرنا» آمده است.

شبهه شده است که متعلق «أمرنا» فسق است یا طاعت؟ سید مرتضی بر این باور است که متعلق «امرنا» طاعت است، زیرا اگر فسق باشد، باید پاداش داده می شدند، نه عقاب. زمخشری نیز در این خصوص می گوید: تقدیرگرفتن کلمه «بخیر» تقدیر گرفتن چیزی است که ظاهر عبارت «فسقوا» مخالف آن است؛ در نتیجه در اینجا امر به «فسق» شده است. بهترین راه این است که آن را به امر مجاز برگردانیم.

۳. سید مرتضی رحمته الله علیه می فرماید: در آیه در نقش «اَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» نزاع شده است و پاسخ این است که: «اَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» صفت «قریه» است؛ یعنی هر گاه بخواهیم قریه‌ای را که طبقه مرفه آن را امر کرده‌ایم و آن‌ها نافرمانی کرده‌اند، هلاک می‌کنیم؛ بنابراین جواب «اذا» محذوف است و نیازی هم به آن نیست.

۴. شبهه مطرح شده است که اگر «اراده» در معنای حقیقی به کار برود، نفی اختیار انسان است و در پاسخ سید مرتضی رحمته الله علیه این است که «اراده» در معنای مجازی به کار رفته است که در زبان عرب مجاز و استعاره و آرایه‌های ادبی زیادی به کار می‌برند.

۵. سید مرتضی رحمته الله علیه بر این باور است که در آیه تقدیم و تأخیر صورت گرفته و اگر شرط و جواب شرط جابه‌جا شود، تغییری در حکم ایجاد نمی‌شود.

۶. در خصوص آیه مذکور سید مرتضی رحمته الله علیه به چهار شبهه پاسخ داده است و زمخشری فقط به بررسی شبهه دوم پرداخته است. احاطه و تضلع سید رحمته الله علیه در ادبیات عرب از یک سو و از سوی دیگر قدرت استدلال عقلی و کلامی ایشان موجب شده است هر کدام از شبهات را با ذکر دلیل و با استحکام بیان کند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۲ش)، *تحف العقول عن آل رسول*، مترجم صادق حسن زاده، قم: آل علی.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنویر*، [بی جا، بی نا، بی تا].
۴. بعلبکی، منیر، «الزمخشری» (۱۹۹۲ق)، *فرهنگ زندگی نامه المورد*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۵. تهرانی، آقابزرگ (بی تا)، *طبقات اعلام الشیعه*، قم: اسماعیلیان.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۰ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالشامیه.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، *تفسیر قرآن مهر*، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۸. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
۹. صافی، محمد بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق)، *الجدول فی اعراب القرآن*، دمشق: دارالرشید، مؤسسه الایمان، چهارم.
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
۱۱. ظهیر، محمدنادر، «حیات علمی پژوهشی و اجتماعی محمود زمخشری»، *وبگاه خاوران*، بازدید: ۱۳۹۵/۱۰/۱.
۱۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۴. _____ (۱۳۸۰ش)، *تفسیر روشن*، تهران: نشر کتاب.
۱۵. موسوی علوی، مرتضی علی بن حسین (۱۳۷۳ش)، *غرر الفوائد و درر القلائد*، قاهره: دارالاحیاء الکتب العربی.
۱۶. مهیار، رضا (بی تا)، *فرهنگ أبجدی عربی - فارسی*، [بی جا، بی نا].

